شنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۳
شماره ۴۳۶۶
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

از وضعیت کردهای ترکیه و سوریه چه می‌دانیم؟

خارج از روایت رسمی

حانیه قاسمیان
خبرنگار گروه جهان‌شهر

پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، جمعیت کردهای ساکن منطقه خاورمیانه در مرز ۴ کشور پراکنده شد. طی مرزبندی‌های استعماری متأثر از قرارداد سایکس پیکو، فرایند دولت-ملت‌سازی مصنوعی در سرزمین‌هایی آغاز شد که به‌طور تاریخی در جغرافیای خلافت اسلامی حل شده بودند. پس از تأسیس دولت-ملت‌های خاورمیانه‌ای جدید، وضعیت کردها در کشورهایی که روایت ملی‌شان را بر مبنای هویت قومی-نژادی مانند عربی و ترکی بنا کرده بودند تا امروز حل‌نشده باقی ماند. با توجه به بیانیه رئیس حزب پ.ک.ک مبنی بر انحلال این حزب به وضعیت کردها در دو کشور سوریه و ترکیه پرداخته‌ایم.

ترکیه؛ بزرگ‌ترین اجتماع کردها

کردها حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد از کل جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند و عمدتاً در مناطق جنوب شرقی این کشور متمرکز هستند. علی‌رغم آنکه جمعیت قابل‌توجهی از جامعه ترکیه را تشکیل می‌دهند، هویت کردی برای مدت طولانی تحت تأثیر ملی‌گرایی ترکیه سرکوب شده است، که در آن یک هویت ملی همگون بر تنوع قومی اولویت داشته است.

کردها در جامعه ترکیه

با اینکه کردها در ترکیه هویت خود را حفظ کرده‌اند، به‌طور روزافزون با دولت مرکزی در حال ادغام شدند، هرچند که احساس تبعیض همچنان وجود دارد. طبق نظرسنجی بارومتر (منتشرشده در انستیتو مطالعات شرق نزدیک) از کردهای ترکیه در سال ۲۰۲۲، ۶۷درصد از پاسخ‌دهندگان خود را به‌شدت کرد می‌دانستند و ۷۱درصد به کرد بودن افتخار می‌کردند. دیگر هویت‌های ذکرشده بیشتر در میان شرکت‌کنندگان عبارتند از مسلمان (۵۴درصد)، لیبرال (۲۸درصد) و مذهبی (۲۵درصد). وقتی از آن‌ها در مورد مسئله کردی سؤال شد، ۵۱/۵درصد آن‌ها وجود این مسئله را تأیید کردند و نبود شناسایی رسمی هویت کردی و تبعیض از سوی دولت را به عنوان دلایل اصلی آن ذکر کردند. حس شدید بی‌عدالتی در این گروه وجود دارد: تنها ۲۸درصد از کردهای ترکیه معتقدند که دولت با آن‌ها برابر با ترک‌های قومی برخورد می‌کند، درحالی‌که ۵۸درصد اظهار کردند که به دلیل قومیت خود تبعیض را تجربه کرده‌اند. با این حال، بیش از نیمی (۵۳درصد) خود را ترکیه‌ای به معنای «شهروند ترکیه» می‌دانند.

با وجود هویت قومی قوی میان کردهای ترکیه تسلط بر زبان مادری آن‌ها در میان جمعیت کاهش یافته است. در نظرسنجی مذکور، تنها ۳۰درصد از افراد گفتند که مهارت‌های زبان کردی آن‌ها «خوب» است، درحالی‌که ۳۱درصد آن را «متوسط» ارزیابی کردند. این نشان می‌دهد که زبان کردی به‌طور مؤثری از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود. از میان کسانی که مهارت‌های کردی خود را «خوب» ارزیابی کرده‌اند، تنها ۴۴درصد گزارش دادند که فرزندانشان نیز مهارت‌های قوی در این زبان دارند.

تاریخچه درگیری کردها با دولت مرکزی ترکیه

پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی رسمی امپراتوری عثمانی و تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳، اقلیت کردهای ساکن مرزهای ترکیه به‌عنوان چالشی برای فرایند دولت ملت‌سازی ترکی در نظر گرفته شدند. پیمان لوزان، که تمامیت ارضی ترکیه را به رسمیت شناخت، هیچ اشاره‌ای به کردها و وضعیتشان نداشت. این امر زمینه‌ساز تنش‌های بلندمدت شد. سیاست «ترکی‌سازی» که با هدف از بین بردن و ادغام همه اقوام ترکیه در یک هویت ملی واحد دنبال می‌شد، مسبب مجموعه‌ای از قیام‌های کردی در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ شد. شورش‌هایی مانند قیام شیخ سعید با سرکوب شدید نظامی و مجازات‌های گسترده مواجه شدند.

اواخر قرن بیستم ترکیه و کل مناطق کردنشین در منطقه شاهد ظهور حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نقش‌آفرینان در درگیری‌های کردی در ترکیه بود. این حزب که در اواخر دهه ۱۹۷۰ تأسیس شد، هدف خود را ایجاد یک دولت مستقل کردی یا کسب خودمختاری گسترده‌تر اعلام کرد و از سال ۱۹۸۴ مبارزه مسلحانه علیه دولت ترکیه را آغاز کرد. حاصل بیش از ۴۰ سال درگیری مسلحانه در ترکیه و دیگر مناطق کردنشین کشته شدن ده‌ها هزار نفر تاکنون بوده است. در پاسخ به تحرکات مسلحانه پ.ک.ک، دولت ترکیه علاوه بر اقدامات نظامی از ابزارهای قانونی و سیاسی نیز برای محدود کردن جنبش‌های کردی استفاده کرده است. آخرین تلاش برای حل مسالمت‌آمیز این درگیری بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ صورت گرفت. مذاکرات بین دولت ترکیه، عبدالله اوجالان (رهبر تاریخی پ‌ک‌ک که از سال ۱۹۹۹ در زندان است) و رهبری پ‌ک‌ک در کوه‌های قندیل در شمال عراق برگزار شد. سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه و حزب دموکراتیک خلق‌های قانونی (اچ‌دی‌پی) به‌عنوان واسطه عمل کردند. فرایند صلح در نهایت شکست خورد و به تشدید دوباره درگیری‌ها منجر شد، از جمله درگیری‌های خیابانی در شهرهای جنوب‌شرقی ترکیه که تلفات زیادی در پی داشت.

در سال‌های اخیر، سیاست‌های ترکیه در قبال مسئله کردها تغییراتی را تجربه کرده است. برخی اصلاحات فرهنگی و سیاسی، از جمله رفع محدودیت‌های زبانی و اعطای خودمختاری محدود در برخی مناطق، اجرا شده‌اند، اما این اقدامات اغلب تحت‌الشعاع تشدید عملیات‌های امنیتی و سرکوب‌های سیاسی قرار گرفته‌اند.

در ماه اکتبر سال جاری امکان از سرگیری حل‌وفصل مسالمت‌آمیز درگیری با پ‌ک‌ک دوباره در دستور کار سیاسی ترکیه قرار گرفت. دولت باغچه لی، رهبر حزب حرکت ملی (ام‌اچ‌پی) که هم‌اکنون در ائتلاف دولتی حضور دارد از اوجالان خواست تا پ‌ک‌ک را منحل کند تا در قبال آن امکان بخشش او فراهم شود. برای اولین بار پس از بیش از سه سال، انزوای اوجالان شکسته شد و به او اجازه داده شد تا با اقوامش ملاقات کند. از طریق این واسطه، اوجالان آمادگی خود را برای وارد شدن به مذاکرات اعلام کرد. با این حال، این اقدام‌های مثبت خیلی سریع تحت‌الشعاع حمله تروریستی به تأسیسات صنعتی دفاعی توسا در قهرمان‌کازان نزدیک آنکارا قرار گرفت که در آن پنج نفر کشته و ۲۲ نفر زخمی شدند. یک سازمان وابسته به پ‌ک‌ک مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت. با این‌حال به نظر می‌رسد تلاش‌های دولت ترکیه برای مذاکرات با اوجلان مثبت بوده و روز پنجشنبه، اوجلان بیانیه‌ای صادر کرد و در آن انحلال پ.ک.ک را خواستار شد.

الف. وضعیت در ترکیه

۱. نمایندگی سیاسی و تلاش‌های اصلاحی

در ترکیه تلاش برای ادغام کردها در سیاست رسمی یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات در عرصه سیاست است. سیاست در این کشور شامل طیف وسیعی از احزاب و جنبش‌های کردی است که برجسته‌ترین آن‌ها حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP) است. با وجود موفقیت‌های انتخاباتی در سطوح محلی و ملی، این حزب و گروه‌های وابسته به آن با سرکوب شدید مواجه شده‌اند، از جمله بازداشت رهبران سیاسی، اتهامات ارتباط با حزب کارگران کردستان (PKK) و محدودیت‌های شدید بر سازماندهی سیاسی. این اقدامات پیشرفت‌های حاصل از اصلاحات پیشین را تضعیف کرده و به فضایی از عدم اطمینان سیاسی دامن زده‌اند.

۲. امنیت و تداوم درگیری با پ.ک.ک

مسئله کردها در ترکیه فراتر از یک چالش قومیتی یا سیاسی یک بحران امنیتی است که ریشه در فرایند دولت ملت‌سازی این کشور دارد. درگیری مسلحانه میان پ.ک.ک و نیروهای امنیتی ترکیه همچنان مسائل متعدد جامعه کردها را در ترکیه تحت‌الشعاع قرار داده است. اگرچه آتش‌بس‌های دوره‌ای و مذاکراتی صورت گرفته اما بی‌اعتمادی عمیق میان دولت ترکیه و گروه‌های مسلح کردی همچنان پابرجاست. عملیات‌های امنیتی که در واکنش به فعالیت‌های پ.ک.ک انجام شده‌اند اغلب به تلفات غیرنظامیان منجر شده و نارضایتی‌های جوامع کردی را تشدید کرده‌اند.

چشم‌انداز پیش رو؟!

دولت ترکیه بار دیگر مسئله عادی‌سازی روابط با کردها را پس از گذشت نزدیک به یک دهه از آخرین تلاش برای حل سیاسی درگیری‌ها بررسی کرده است. از یک‌سو، وضعیت تنش‌آمیز در همسایگی ترکیه، به‌ویژه پس از سقوط سوریه جست‌وجوی راه را ضروری می‌کند. از سوی دیگر، چشم‌انداز عادی‌سازی سیاسی با کردها در چهارچوب تدوین یک قانون اساسی جدید که به رئیس‌جمهور اردوغان این امکان را می‌دهد که برای دوره‌ای دیگر در مقام خود باقی بماند، مطرح است. در ازای حمایت از قانون اساسی جدید، دولت ممکن است به کردها امتیازاتی مانند اعطای وضعیت اقلیت رسمی به آن‌ها بدهد. حل این درگیری می‌تواند به هم‌گرایی بیشتر کردها با دولت ترکیه و تقویت هویت آن‌ها کمک کند.

سوریه؛ سال‌ها بدون تابعیت

جمعیت کردهای سوریه بین ۲ تا ۳ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. این گروه جمعیتی ساکن سوریه عمدتاً در مناطق شمال شرقی این کشور، به‌ویژه در مناطق مرزی با ترکیه، ساکنند. اجتماع کردهای سوریه به‌صورت تاریخی با حاشیه‌نشینی سیستماتیک مواجه بوده است و تا سال‌های اخیر این گروه جمعیتی حتی از حقوق شهروندی اولیه در سوریه محروم بوده‌اند.

در طی تأسیس دولت-ملت مدرن در سوریه و در طول حکومت حافظ اسد و بشار اسد در سوریه، کردهای سوریه با تبعیض قانونی طولانی‌مدت مواجه بودند. علت این عدم اعطای تابعیت و به حاشیه رانده شدن تاریخی کردها در سوریه، تأکید بر روایت پان‌عربیستی در پروسه دولت-ملت‌سازی این کشور بوده است.

حکومت مرکزی سوریه در طول حکومت اسدها و پیش از آن برای سال‌های طولانی کردهای ساکن سوریه را به‌عنوان کولی‌ها که قومی پراکنده و بی‌وطن هستند در نظر می‌گرفت و از اعطای تابعیت سوری به آنان سر باز می‌زد. سیاست‌های دولت بسیاری از کردها را عملاً بی‌تابعیت کرد و آن‌ها را از حق شهروندی کامل و دسترسی به خدمات دولتی محروم ساخت. سرکوب فرهنگی شامل ممنوعیت کامل زبان کردی و محدودیت‌هایی بر نمادهای فرهنگی نیز بود. با این حال، آغاز آشوب‌ها و سپس جنگ داخلی سوریه خلأ قدرتی را در بخش‌هایی از شمال سوریه ایجاد کرد. گروه‌های کردی، به‌ویژه از طریق تأسیس اداره خودمختار شمال و شرق سوریه (که غالباً با نام روژاوا شناخته می‌شود)، با حمایت ایالات‌متحده آمریکا گام‌هایی در جهت خودگردانی برداشتند. با این وجود، پروژه خودمختاری کردهای سوریه پس از جنگ داخلی علی‌رغم تمایل ایالات‌متحده و ناتو به علت عدم رغبت همسایه شمالی سوریه هیچ‌گاه عملی نشد. در شرایط خلأ قدرت در مناطق کردنشین سوریه، قسد با حمایت آمریکا توانست بر مناطق کردنشین کنترل داشته باشد و ایالات‌متحده در ازای آن تسلط بر مناطق نفت‌خیز شمال سوریه را به دست آورد.

تاریخچه درگیری‌های کردها در سوریه با دولت مرکزی

در سوریه، کردها دهه‌ها تحت حکومت حزب بعث با تبعیض و سرکوب سیستماتیک مواجه بوده‌اند. دولت سوریه بسیاری از کردها را از حق شهروندی محروم کرد و در نتیجه، آنان از حقوقی مانند آموزش، خدمات درمانی و مشارکت سیاسی نیز بی‌بهره ماندند. این تبعیض حقوقی با سرکوب فرهنگی نیز همراه بود، به‌گونه‌ای که زبان و سنت‌های کردی در فضای عمومی نادیده گرفته شدند. سیاست‌های دولت که بر یکپارچگی هویت عربی تأکید داشت، هیچ جایی برای پذیرش تنوع قومی و فرهنگی کردها باقی نگذاشت و در نتیجه، نارضایتی‌های عمیقی را در میان آنان ایجاد کرد.

پیش از جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۰۴ شورش قمیشلو در مناطق کردنشین سوریه سرکوب شد. جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ وضعیت کردهای این کشور را به‌طور بنیادین تغییر داد. با ظهور داعش و تضعیف قدرت مرکزی و خلأ قدرت ایجادشده ناشی از آن در مناطق شمالی، گروه‌های کردی موفق شدند نهادهای خودگردان را در مناطق تحت کنترل خود ایجاد کنند. شکل‌گیری «اداره خودمختار شمال و شرق سوریه» البته با حمایت ایالات‌متحده و بر مبنای منافع اقتصادی‌اش در شمال سوریه لحظه سرنوشت‌سازی در وضعیت کردها در این کشور بود. تشکیل اداره خود مختار کردهای سوریه تحت حمایت ایالات‌متحده نقطه درگیری آمریکا با ترکیه را در شمال سوریه رقم زد. همچنین از سوی دیگر ظهور روژاوا (اداره خودمختار شمال و شرق سوریه) موجب افزایش تنش‌ها با دولت اسد شد که همچنان به دنبال بازیابی کنترل بر کل سوریه است.

مسأله کردهای سوریه هیچ‌گاه از مداخلات بین‌المللی و منطقه‌ای جدا نبوده است. قدرت‌هایی مانند ایالات متحده و روسیه و کشورهای منطقه‌ای همچون ترکیه، هر یک با اهداف و منافع خاص خود در جنگ سوریه مداخله کرده‌اند و این مسئله، کردها را به یک نیروی نیابتی آمریکایی در مناسبات سوریه تبدیل کرده است. تغییر ائتلاف‌ها و اولویت‌های ژئوپلیتیکی اغلب بر منافع واقعی کردها در سوریه سایه افکنده و دستیابی آنان به حقوق سیاسی پایدار را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. در نتیجه، اگرچه در سال‌های اخیر وضعیت عمومی کردها در سوریه قدری بهبود یافته است اما با توجه به عدم ثبات دولت مرکزی در این کشور آینده منازعات کردی-عربی در سوریه و آتیه مردم کرد در سوریه همچنان متزلزل و شکننده است.

پسااسد؛ آینده نامعلوم

سقوط سریع دولت اسد که توسط هیئت تحریرالشام و با حمایت و هدایت ترکیه محقق شد. آینده وضعیت کردهای سوریه را بار دیگر در صدر اخبار قرار داد. تحریرالشام به رهبری محمد الجولانی، که اکنون قدرت مرکزی در دمشق را در دست دارد، وعده دولتی فراگیر داده و از همه گروه‌های مسلح خواسته است که خلع سلاح شوند و در یک سوریه متحد ادغام شوند. تحت حمایت ایالات‌متحده و به‌عنوان تامین‌کننده منافع این کشور در ترکیه، نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) که بازوی مسلح کردهای سوریه است؛ از این تصمیم سر باز زد. یکی از علت‌های این سر باز زدن این بود که ترکیه، حامی اصلی دولت موقت، یگان‌های مدافع خلق (YPG)—ستون فقرات قسد—را به‌عنوان شاخه‌ای از حزب کارگران کردستان پ.ک.ک. می‌بیند که ده‌ها با آن جنگیده است. پیش‌تر و در طی جنگ داخلی، معارضان ارتش آزاد و ارتش ترکیه چندین بار با نیروهای کرد سوری درگیر شده‌اند. با این‌حال صرف نظر از اینکه چه کسی در دمشق باشد، ترکیه خودمختاری کردهای سوریه را تهدیدی علیه امنیت ملی کشور خودش تلقی می‌کند.

با پایان پ‌ک‌ک، اردوغان مسئلهٔ معارضهٔ کردها را حل می‌کند؟

جنبش بی‌سر کردها در ترکیه

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

بازماندگان دوران جنگ سرد در منطقه یک به‌یک می‌شکنند. «حزب بعث» سوریه که در همان قالب جنگ سرد زیست می‌کرد، بر اثر نارسایی‌ها سقوط کرد. تنها چند ماه پس از «بشار اسد» که هم رئیس‌جمهور و هم به‌نوعی بزرگ‌ترین رهبر علویان به‌عنوان یک مذهب در سوریه بود، «عبدالله اوجالان» دیگر بازمانده دوران جنگ سرد نیز آخرین ریزش‌های این گروه را رقم زد. او یکبار در سال ۲۰۱۴ در پیام نوروزی خود خواهان آشتی و صلح میان کردهای ترکیه و دولت مرکزی شده بود اما در پیام پنجشنبه گذشته خود عاجزانه‌تر این درخواست را تکرار کرد و خواهان انحلال گروهی شد که خود بنیان‌گذارش بوده است. گروه تجزیه‌طلب پ.ک.ک که توسط اوجالان تأسیس شد با پیروی از سوسیالیسم در جریان جنگ سرد از طرف شوروی مأموریت داشت برای ترکیه که عضو ناتو بود مزاحمت ایجاد کند. در فقدان شوروی، سوسیالیسم و توانمندی‌های گذشته روسیه، آن فضا از بین رفته است. علاوه بر آن برخی تغییرات در داخل ترکیه فضای متفاوتی را در مبارزه می‌طلبد.

اثرات پیام ساکن ایمرلی

پیام اوجالان اهمیت بالایی دارد اما او امروزه تقریباً یک شخصیت تاریخی است. پیام او در زمانی که بازیگری مهم بود، اهمیت داشت اما او مدت‌هاست فاقد چنین نقشی شده است. در این زمینه توجه به نکات زیر سودمندند.

۱. اهمیت اوجالان برای کردها به مبارزه او با ترکیه مربوط می‌شود. بدون این قضیه، اوجالان برای کردها اهمیت بالاتری ندارد. اوجالان مبارزی است که در سال ۱۹۹۹ دستگیر شده است. او مدت کوتاهی پیش از آن از سوریه اخراج شده بود. او ۲۶ سال قبل دستگیر شده و نسل جدید کرد، نگاه نسل قدیم را ندارند. اوجالان رهبری است که در فرودگاه با تصاویر خفت‌باری دستگیر و در دادگاه‌ها کشانده شده است. او درحالی‌که هم‌گروه‌هایش درحال درگیری با ترکیه بودند، از خانواده نظامیان کشته‌شده ترکیه‌ای در دادگاه عذرخواهی می‌کرد. ادراک محیط سابق او از وی، شخصیتی ضعیف و گرفتار است که برای اندکی بهبود در شرایط زندگی خود، بدون آنکه قرار باشد آزاد شود، قصد کرده مبارزه کردی را به اتمام برساند. شاید عده‌ای بنابه دلایلی علیه او تبلیغ نکنند، اما درهرحال این تصویر از او را در ذهن خود دارند.

۲. پیام اوجالان شاید به کاهش برخی تنش‌ها منجر شود؛ اما با توجه به عمق مسئله کردی این قضیه بازتولید خواهد شد. حتی اگر موانع برطرف شوند، مسائلی که طی دهه‌ها انباشت شده‌اند، به‌سرعت قابل زدودن نیستند. برای مدت‌ها ملی‌گرایی نژادی در ترکیه، اثراتی گذاشته که به‌سرعت قابل رفع نیستند.

۳. اگر پ.ک.ک منحل شود، مبارزانش با پیوستن به دیگر گروه‌ها باعث تقویت آن‌ها خواهند شد. به عبارتی دیگر این گروه منحل خواهد شد اما مبارزه کنار گذاشته نمی‌شود.

۴. مذاکرات صلح میان ترکیه و پ.ک.ک در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ شکست خورد و حالا دولت اردوغان آن را از طریق مذاکره با اوجالان به پیش برده است. این انفکاک میان گروه و شخص مشخص است. اگر چیزی را گروه پ.ک.ک نپذیرد، قانع کردن رهبر سابق و زندانی‌اش چیزی را تغییر نمی‌دهد.

۵. خلع سلاح پ.ک.ک تقریباً بی‌معناست. شاید عقب‌نشینی معنا داشته باشد. آن‌ها از سلاح‌های انفرادی و نیمه‌سنگین استفاده می‌کنند که در عراق و سوریه به‌وفور یافت می‌شود.

نسبت ترکیه و پیام

ترکیه برای رسیدن به اهداف خود راهبردهای مؤثری را به شکل مجدانه پیگیری می‌کند اما به دلیل اشکال عمده‌ای که در اهدافش وجود دارند، انتهای بازی‌های منطقه به زیان آنکارا تمام می‌شوند.

۱. ترکیه پس از قضایای سوریه در افکار عمومی شاهد رشد ادراکات در خصوص افزایش قدرتش بود؛ اما تحولات بعدی این مسئله را تضعیف کرد. سوریه‌ای اما در شرایطی در دست ترکیه قرار گرفت که اوضاعش از پیش بدتر شده بود. نظام سیاسی به همراه نیروهای مسلحش که شامل چند صد هزار نیرو بود فروپاشید درحالی‌که تعداد افراد مسلح هیئت تحریرالشام حداکثر تا ۳۰ هزار نفر تخمین‌زده می‌شد؛ به همراه دیگر گروه‌های مسلح تروریستی مانند گروه موسوم به «ارتش ملی سوریه»، این تعداد به ۸۰ هزار نفر می‌رسند. در نتیجه به جای ارتش و نیروهای مسلحی نزدیک به ۳۰۰ هزار نفره، نیرویی شبه‌نظامی با حداکثر ۸۰ هزار نفر و پراکندگی فرماندهی جایگزین شدند. همچنین ارتش رژیم‌صهیونیستی به همراه آمریکا با بمباران‌های گسترده، دارایی‌های نظامی راهبردی سوریه در نیروی هوایی، پدافند هوایی و نیروی دریایی را از بین بردند. صهیونیست‌ها از جنوب نیز به داخل وارد شده و در استان‌های جنوبی تجزیه‌طلبی دروزی‌ها را تحریک می‌کنند. سوریه سقوط کرد اما در حال احتضار در اختیار ترکیه قرار گرفت.

در سوی دیگر، هیئت تحریرالشام تلاش کرد ارتباطات زیادی با کشورهای عربی برقرار کند. روی دیگر آن، اندکی رویگردانی از خواست‌های ترکیه به‌ویژه در ساختاردهی به اوضاع داخلی بود. درحالی‌که ترکیه خواهان دادن شکل و شمایلی دموکراتیک به سوریه پسااسد بود، جولانی برگزاری انتخابات را به سال‌ها بعد حواله داد.

همان‌ها که سقوط نظام سوریه طی ۱۱ روز و روی کارآمدن متحدان ترکیه را دیدند، بمباران دارایی‌های راهبردی ارتش این کشور، فروپاشی اوضاع اداری، تنش‌های قومی، اشغالگری اسرائیل و خطر تجزیه‌طلبی در جنوب را هم دیدند.

در تمام این مدت، تمرکز ترکیه براساس اولویت و البته توانش، کردها بودند. آنکارا با ارتش ملی سوریه با کردها می‌جنگید، درحالی‌که در مناطق تحت تسلط هیئت تحریرالشام شورش برپا شده و همزمان گروه‌های عربی و اسرائیل درحال ایجاد تشنج در جنوب بودند. این مسئله ناتوانی ترکیه را در مدیریت اوضاع پیچیده سوریه نشان داد. تحریرالشام خود نیز در امورش ناتوان بود و از همه طرف تحت فشار قرار گرفت.

۲. به نظر می‌رسد ماموریت حزب عدالت و توسعه از سوی دولت نخبگان ترکیه، حل مسئله کردی بوده است. با ملی‌گرایی سکولار که پیش از حزب عدالت و توسعه جریان داشت، کردها توسط دولت قابل جذب نبودند. اردوغان با اسلام‌گرایی، موفق شد اقشار محافظه‌کار کرد را به خود جلب کند. او تقریباً نظر یک‌سوم کردها را به خود جلب کرد اما این جذب به معنای شکاف افتادن در مواضع کردها بود و از سوی دیگر فضای انزوای آن‌ها را در داخل شکست؛ فضایی که مشروعیت‌بخش مبارزه بود.

اردوغان در حل مسئله کردی از دیگران موفق‌تر بود اما پس از آرام کردن کردها در داخل به وسیله اقشار محافظه‌کار، سعی کرد از این فضا سوءاستفاده کرده و هم برای توسعه‌طلبی ارضی و هم برای سرکوب کردها در مرزهای اطراف کشورش، به همسایگان لشکرکشی کند. از این رو دستاوردهای داخلی او در معرض خطر قرار دارند.

۳. ترکیه امروز در سایه احساس قدرت به دلیل قضایای سوریه و همچنین درکی که از تضعیف محور مقاومت و رژیم‌صهیونیستی یافته است، در سرمستی به سر می‌برد. از این رو برای برخی این فرصت پیش آمده تا ترکیه را سرمست، به مسیرهای خاصی سوق دهند. به‌عنوان نمونه درنظر بگیرید که پ.ک.ک تصمیم گرفت به دستور اوجالان عمل نکند، احتمالاً آنگاه ترکیه با بهانه قرار دادن این اقدام، بر شدت حملات خود به کردها خواهد افزود که به معنای تشدید بحران است. ترکیه در فضای برآوردی که از افزایش قدرتش دارد احتمالاً تصمیمات اشتباه بیشتری خواهد گرفت.

۴. ترکیه از رهگذر تحولات دو دهه اخیر ضربات سنگینی به کردها وارد کرده است. با قضایای سوریه و داعش، ارتش ترکیه مستقیماً وارد مناطق کردنشین دو کشور شد. از سوی دیگر حضور ترکیه با آوارگی کردها، تحت کنترل قرار گرفتن آن‌ها و تقویت ترک‌تباران و ترکمن‌ها در این مناطق منجر شد. در داخل ترکیه نیز کردها بیش از پیش تقسیم شده و به حوزه سیاست کشیده شدند. در همان حوزه سیاسی نیز تلاش شد احزاب و سیاستمداران کردی تحت کنترل قرار گیرند.

۵. گاهی اوقات برخی از موفقیت‌ها، یک فرد یا مجموعه را به سمت تبدیل آن به یک زنجیره سوق می‌دهد. جایزه‌ای که در پایان یک فصل تلاش و سختی به دست می‌آید، آنقدر شیرین است که فرد یا مجموعه مزبور را به تکرار آن ولو با هزینه‌های گزاف سوق می‌دهد.

ترکیه و قوای مختلف آن نیز از این روند مستثنی نیستند. آن‌ها می‌خواهند پس از سقوط سوریه، این روند را با اقدامات شگفت‌آور دیگر ادامه دهند. به همین دلیل است که اردوغان پس از سقوط سوریه گفت: «کلیدهای منطقه در دستان ترکیه قرار دارد.» هنگامی که اسد سوریه را در دست داشت، کلیدی در همان کشور دست او نبود چه رسد به آنکه به قفل‌های منطقه بخورد. روسیه نیز که در سوریه استقرار یافته بود، علی‌رغم مزایای زیادی که یافت ادعایی در خصوص اشراف بر منطقه را نداشت. آنچه اردوغان را واداشت تا با موفقیت در سوریه، از قرار داشتن کلیدهای منطقه در دستان ترکیه صحبت کند، اشتیاق به رقم زدن پی‌درپی موفقیت‌ها بود. او آشکار ساخت در تله «زنجیره‌سازی از موفقیت» گرفتار شده است.

این مسئله اما مختص اردوغان نیست بلکه محیط اطراف او نیز گرفتار شده‌اند. عبدالقادر سلوی از تحلیلگران قدیمی روزنامه حریت و از نویسندگانی که با اردوغان و حزب عدالت و توسعه رابطه نزدیک دارد، در تحلیل جدید خود در خصوص بیانیه اوجالان آورده است: «توازن قوا در عراق و در سوریه به نفع ترکیه تغییر کرده است.»

در شرایطی که محور مقاومت و رژیم‌صهیونیستی مسلح‌تر شده، آمریکا بر حضورش در منطقه افزوده و کشورهای عربی نیز فعالیت‌های خود را تشدید کرده‌اند، در واقعیت ترکیه صرفاً یکی از بازیگران بوده است. شکل عریان، اولیه و خام «زنجیره‌سازی از موفقیت»، پشتک زدن کودکان پس از تعریفی است که از والدین یا میهمان می‌شنوند. آن‌ها می‌کوشند با رقم زدن هنرنمایی‌های بعدی، تعریف و تشویق والدین و میهمان را تداوم بخشند.